



درس فارغ فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: مالکیت معنوی

تاریخ: ۸ مهر ۱۴۰۴

مصادف با: ۷ ربیع الثانی ۱۴۴۷

موضوع جزئی: مقدمات - مقدمه پنجم: تعریف و مختصات مالکیت معنوی - موانع تعریف - تعریف

سال اول

جلسه: ۵

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

مقدمه پنجم

در بحث از مالکیت معنوی چهار مقدمه بیان گردید. مقدمه پنجم درباره تعریف مالکیت معنوی است؛ بالاخره ما درباره مالکیت معنوی بحث می‌کنیم. باید بدانیم که مالکیت معنوی به چه معناست.

اشاره

در مقدمه دوم عرض کردیم که درباره عنوان این بحث اختلاف است؛ شاید بیش از بیست عنوان برای این بحث مطرح شده است. اصطلاحات گوناگونی در میان حقوقدانان رواج دارد و کتاب‌هایی که از زبان انگلیسی به فارسی ترجمه شده، هر یک در ترجمه این اصطلاح، یک معنایی را ذکر کرده‌اند. به مهم‌ترین اصطلاحات و عناوین اشاره کردیم؛ حق مالکیت معنوی، حقوق معنوی، مالکیت فکری، حقوق آثار و آفرینش‌های فکری. در اینکه کدام یک از اینها را باید معیار قرار دهیم و آن را تعریف کنیم، در خود این اختلاف وجود دارد. در آن مقدمه، ما عنوان مالکیت معنوی را ترجیح دادیم؛ هرچند خود این عنوان هم مورد اشکال بعضی واقع شده است. هر یک از صاحبان تألیف، یکی از این عناوین را ترجیح داده‌اند؛ اما به نظر ما عمدتاً این دو محور یعنی حقوق معنوی یا مالکیت معنوی و حقوق مالکیت فکری، بیشتر مورد توجه است. در مورد این تفاوت‌ها خیلی نمی‌خواهیم معطل شویم؛ اصطلاح مهم نیست؛ مهم مقصود از این عنوان و حقوقی است که ما باید ببینیم آیا ثابت است یا نه و آن آثار بر آن مترتب می‌شود یا نه.

ما عنوان مالکیت معنوی را برگزیدیم؛ این هم مورد اشکال عده‌ای قرار گرفته که اساساً کلمه «مالکیت» نباید در عنوان قرار بگیرد. چون مالکیت تنها مشعر به جنبه‌های اقتصادی است؛ در حالی که دایره حقوق و آثار مربوط به این موضوع، وسیع‌تر از جنبه اقتصادی است. جنبه اقتصادی یک بُعد آن است؛ ابعاد اخلاقی و معنوی هم دارد. لذا برخی استفاده از واژه مالکیت را نمی‌پذیرند. یا مثلاً در بعضی از تعابیر، کلمه «اموال» آمده و از عنوان مالکیت اموال فکری استفاده شده است؛ وقتی لفظ «مال» مورد استفاده قرار می‌گیرد، همان اشکالی که نسبت به استفاده از لفظ مالکیت وارد بود، به نظر آنها اینجا هم وارد است؛ چون مال بیشتر به جنبه اقتصادی توجه دارد. همانطور که عرض کردم، این خیلی مهم نیست که ما در این الفاظ و واژه‌ها معطل شویم؛ هر یک از اینها محاسن و معایبی دارد. بعضی‌ها می‌گویند نباید بگوییم مالکیت معنوی یا مالکیت معنوی، بلکه باید بگوییم آفرینش‌های فکری. قدر مسلم این است که عنوان مالکیت معنوی اعم از عنوان مالکیت فکری است. برای اینکه مالکیت فکری عمدتاً به آثار و محصول فکر و اندیشه عنایت دارد؛ یعنی هر چیزی که محصول فکر و اندیشه آدمی است. در حالی که مصادیق حقوق معنوی یا مالکیت معنوی، وسیع‌تر است؛ قبلاً هم اشاره کردم که بعضی از حقوق چه‌بسا در دایره

حقوق فکری قرار نمی‌گیرند، اما عنوان حقوق معنوی بر آنها منطبق است؛ مثل سرقتی. سرقتی خودش فی حد نفسه در بحث ما داخل نیست؛ یعنی وقتی سخن از مالکیت معنوی به میان می‌آید، سرقتی را جزء مصادیق این عنوان ذکر نمی‌کنند؛ هرچند با یک توجیهات و تکلفاتی ممکن است سرقتی هم در این محدوده قرار بگیرد.

نسبت بین حقوق فکری و آفرینش‌های فکری و بین حقوق معنوی یا مالکیت‌های معنوی عموم و خصوص مطلق است. لذا ما عنوان مالکیت معنوی را انتخاب کردیم؛ قبلاً اشاره شد که یک سازمان جهانی برای این منظور تأسیس شده لکن در ترجمه عنوان این سازمان هم اختلاف است؛ یک عده ترجمه کرده‌اند به سازمان جهانی مالکیت معنوی، یک عده هم ترجمه کرده‌اند به سازمان جهانی مالکیت فکری یا آفرینش‌های فکری؛ هر کدام هم برای خودشان توجیهاتی دارند.

به هر حال ما واژه «مالکیت» را در عنوان اخذ کردیم و تأکید می‌کنیم که اینجا فقط به جنبه‌ها و ابعاد اقتصادی آن توجه نداریم، بلکه همه حقوق ناشی از این تعلق مدنظر ماست؛ هم جنبه‌های اقتصادی، هم اخلاقی و هم سایر حقوق معنوی. اینکه بالاخره ابتکار و تألیف، انتساب به این شخص دارد و محصول کار و فکر و اندیشه شخص مؤلف و مخترع و مبتکر است و او نسبت به آن سلطنت و سیطره دارد و هر کاری بخواهد می‌تواند انجام بدهد؛ می‌تواند بفروشد، می‌تواند به عنوان یک افتخار برای خودش نگه بدارد؛ همه آثار مادی و معنوی محصول فکر و ابتکار و اختراع خود را متعلق به خودش می‌داند؛ این هم یک آثاری دارد که بعداً ذکر خواهیم کرد. لذا تأکید می‌کنیم که در این بحث، تنها به بُعد اقتصادی کار نداریم؛ حتی بُعد اخلاقی هم می‌تواند به عنوان یکی از آثار این آفرینش فکری یا مالکیت معنوی قلمداد شود. یک حق اخلاقی هم وجود دارد و آن هم حق تکریم و احترام و بزرگداشت مؤلف و مخترع است؛ اصلاً فرض کنید هیچ پول و مالی به ازاء آن نخواهد بگیرد، این حق برای او است. طبیعی است که وقتی می‌خواهند از صاحب یک اثر تجلیل کنند و او را گرامی بدارند، این حقی است زاییده فکر اوست که باید به او داده شود؛ نمی‌توانند کسی دیگری را تکریم کنند و برای او بزرگداشت بگیرند.

بنابراین به نظر ما مالکیت هرچند واژه‌ای است که به ظاهر بیشتر به جنبه اقتصادی و مالیت اشعار دارد، اما معنایی که ما از آن اراده می‌کنیم، دایره وسیع و اعم دارد. حتی کلمه «معنوی» هم با اینکه اعم از فکری است، اما همانطور که در بیان مصادیق خواهیم گفت، چه بسا منحصر در آفرینش‌های فکری نباشد و دایره وسیع‌تری داشته باشد؛ ما این را می‌خواهیم تعریف کنیم. تا اینجا معلوم شد که ما اصلاً چه چیزی را می‌خواهیم تعریف کنیم؛ مالکیت معنوی یا حقوق مالکیت معنوی یا حق بر مالکیت معنوی. حقوقی که در واقع برخاسته از این سلطنت و سیطره و تسلط است.

موانع تعریف

در مقام تعریف ما با موانعی روبرو هستیم؛ مثلاً تعریف باید جامعیت و مانعیت داشته باشد. هر چه تعریف جامع‌تر و مانع‌تر باشد، دقیق‌تر است. اما ما از هر دو جهت با مشکلاتی مواجه هستیم؛ از حیث جامعیت و مانعیت ما باید یک تعریفی ارائه بدهیم که تمام مصادیق این موضوع را شامل شود و غیر آن را در بر نگیرد. به علاوه، تمام ابعاد مرتبط با این موضوع را دربربگیرد.

مانع اول: مصادیق این موضوع آنقدر متنوع هستند که واقعاً گاهی سخت است که بین همه آنها یک وجه مشترک پیدا کنیم؛ حالا شاخه‌های این نوع از مالکیت را که بگوییم، این مسئله معلوم می‌شود. مثلاً در مورد علائم تجاری هست، راجع به مسائل

جغرافیایی هست؛ عناوین و شاخه و شعبه‌هایی دارد که وقتی ما اینها را کنار هم می‌گذاریم، می‌بینیم به سختی می‌توانیم بین این مصادیق یک وجه مشترک پیدا کنیم.

مشکل دیگر در ارائه یک تعریف جامع، ابعاد مختلف این موضوع است؛ باید یک تعریفی کنیم که هم ابعاد حقوقی، اقتصادی و اخلاقی را در برگیرد.

مانع دوم: این موانع جهات مختلف دارد. یعنی گاهی تعریف به گونه‌ای است که شامل همه مصادیق نمی‌شود، یا همه ابعاد را دربر نمی‌گیرد. خود این هم محل اختلاف است؛ یعنی در جامعیت و مانعیت یک تعریف هم اختلاف وجود دارد. لذا به خاطر این مشکلات، بعضی به جای اینکه این موضوع را تعریف کنند، تعریف به مصداق کرده‌اند؛ مثل اینکه کسی برای تعرف «رجل»، به ذکر برخی از مصادیق آن اکتفا کند. خود سازمان جهانی مالکیت فکری یا معنوی، به جای اینکه یک تعریف فنی مشتمل بر جنس و فصل ارائه بدهد، به ذکر مصادیق پرداخته است؛ می‌گوید حقوق مالکیت فکری (یا معنوی علی اختلاف فیه) عبارت است از اختراعات، آثار ادبی، هنری، نام‌ها، تصاویر و طرح‌های مورد استفاده در تجارت. یعنی مصداق ذکر کرده و یک تعریفی علمی جامع و مانع ارائه نداده است. یا مثلاً در برخی دایرة المعارف‌ها اینطور آمده: این یک اصطلاحی است که شامل موضوعات متنوعی همچون حق اختراع، حق ادبی و هنری، حق بر علائم تجاری، حق بر اسرار تجاری و طرح‌های صنعتی می‌شود. به جای اینکه خودشان را در دست‌اندازهای تعاریف قرار بدهند، به ذکر برخی مثال‌ها و مصادیق، به این اکتفا کرده‌اند؛ خود این مثال‌ها و مصادیق هم یا محصوراً بیان شده، یعنی گفته‌اند مالکیت فکری یا معنوی این است، یا گفته‌اند مثل اینهاست و آن را محصور نکرده‌اند و راه را برای الحاق برخی از موارد باز گذاشته‌اند.

به هر حال ما برای تعریف این موضوع، با چنین مشکلاتی مواجه هستیم؛ مشکل از حیث جامعیت و مانعیت؛ این مشکلات باعث شده که تعاریفات به سوی بیان مصادیق سوق پیدا کند و خیلی‌ها مصادیق را ذکر کرده‌اند. حالا ما از این منظر هم نمی‌خواهیم معطل شویم که کدام تعریف‌ها مبتلا به عدم جامعیت و مبتلا به مانعیت است؛ کدام تعریف‌ها جامعیت دارد و مانعیت ندارد؛ کدام تعریف‌ها مانعیت دارد ولی جامعیت ندارد. ما نمی‌خواهیم وارد این بحث‌ها شویم؛ بلکه می‌خواهیم مقصود خودمان را بفهمانیم که مالکیت فکری و مالکیت معنوی چیست. اگر بخواهیم به طور خلاصه آن را تعریف کنیم، باید بگوییم منظور از حقوق مالکیت معنوی یا مالکیت فکری (اینها را می‌گوییم تا معلوم شود که خیلی اصرار روی یکی از این واژه‌ها نداریم؛ اگرچه ما واژه اعم را انتخاب کردیم) عبارت است از آن اضافه و نسبت و رابطه‌ای که بین اثر و صاحب اثر پیدا می‌شود و به موجب آن می‌تواند از انواع بهره‌ها برخوردار شود. یا به عبارت دیگر، حقوق و اختیاراتی که شخص نسبت به اشیائی پیدا می‌کند که مادی نیستند. یعنی نه عین هستند و نه منفعت؛ چون ما هم عین و هم منفعت را تحت عنوان مادی قرار دادیم. هر چیزی که نه عین است و نه منفعت، و عمدتاً محصول فکر آدمی است و آفرینش او محسوب می‌شود، آیا این همانند اشیاء مادی، مملوک واقع می‌شود و قابل نقل و انتقال است؟ قابل بخشیدن است؟ این تعریف بیشتر به قول آقایان، تعریف شرح اللفظی یا شرح الاسمی است، نه تعریف حقیقی. چون اگر بخواهیم از آن زاویه بررسی کنیم، خیلی مشکلات خواهیم داشت. بعضی‌ها این موضوع را تعریف کرده‌اند به اوصاف و شرایط آن؛ مثلاً می‌گویند مال غیر محسوس و غیرمادی که نتیجه و محصول خلاقیت است، مثل اختراعات و علائم تجاری یا آثار ادبی و هنری؛ یا مثلاً هر دارایی غیرمادی و غیرمحسوس که

مشمول بر دانش و اندیشه بشری باشد، مثل اختراعات، آثار ادبی و هنری، علائم تجاری، نرم افزارها. الان نرم افزارهایی که افراد تولید می کنند، همه اینها در این مجموعه قرار می گیرد؛ آیا کسی حق دارد که اینها را کپی و منتشر کند یا قفل آنها را بکشند؟ یا مثلاً فیلم های سینمایی که تهیه کنندگان و کارگردانان این فیلم ها، آنها را در فضای خاصی به نمایش می گذارند. مثلاً در گذشته در جشنواره های فجر، برخی این کار را می کردند که فیلم ها را در سالن های سینما با دوربین ضبط می کردند و قبل از اینکه آن فیلم اکران شود، آن را منتشر می کردند. این تضییع حقوق تهیه کننده و دست اندرکاران آن فیلم است. موارد بسیاری می توان برای آن ذکر کرد. در برخی از این تعاریف، با توجه به مالیت این اشیاء، اقدام به تعریف کرده اند. بعضی از تعاریف ناظر به مبانی این حقوق ارائه شده است؛ ما این را بعداً بحث خواهیم کرد که اصلاً مبانی این حقوق چیست. دو دیدگاه را در گذشته گفتیم که بعضی ها معتقدند این امور به شخصیت آفریننده اثر مربوط است و برخی گفته اند این کار اوست؛ لذا این را در دایره حقوق کار برده اند. اینها مبانی مختلفی است که در مسئله وجود دارد.

به هر حال معنای حقوق مالکیت معنوی یا مالکیت معنوی یا به تعبیر دیگر حقوق فکری یا حقوق آفرینش های فکری یا مالکیت فکری معلوم شد و لازم نیست خیلی معطل نشویم؛ اینجا بحث های پیچیده و فنی وجود دارد؛ البته این بحث ها مفید است، اما اگر بخواهیم در اینجا بیش از حد معطل شویم، از مقصود اصلی باز می مانیم. این یک تعریف اجمالی و البته به عنوان تعریف شرح الاسمی و نه تعریف حقیقی بود.

بحث جلسه آینده

ما مالکیت معنوی را تعریف کردیم؛ بخش دوم این مقدمه این است که مالکیت معنوی چه مختصاتی دارد؟ ان شاء الله در جلسه آینده این مختصات را بیان خواهیم کرد و سپس درباره پیشنهاد بحث می کنیم.

«والحمد لله رب العالمین»